

تشکل‌های دانشجویی با کدام رویکرد

خبرنامه‌ی فعالین دانشگاه مازندران

7 از دیبیهشت 1386

<http://www.mactivists.persianblog.com>

امروز دغدغه‌ی اصلی همه‌ی فعالین آزادی‌خواه و برابری‌طلب، ایجاد محمل‌هایی برای فعالیت آزادانه‌ی طبقات مختلف مردم و قشرها برای رسیدن فوری به مطالباتشان است. جنبش کارگران، دانشجویان، معلمان و ... برای بازگشت همه‌ی جنبش‌های مردمی به خوی انقلابی طبقه‌ی کارگر برای ایجاد تحولی گسترده و رادیکال، نیاز به ارتباطات در هم تنیده‌ی مردمی، جهانی، رسانه‌ای و غیرایدئولوژیک دارد. بنا بر اهمیت این قضیه در حوزه‌ی دانشجویی، سعی می‌کنیم مسأله را با دیدی عمیق‌تر و تحلیلی اجمالی از تاریخ جنبش دانشجویی بسط کوتاهی دهیم. پر واضح است که این مقاله، گره‌ای خام از تفکری مترقی (و البته کهنسال) را بدست می‌دهد و تلاش خبرنامه‌ی فعالین دانشگاه مازندران بر شرکت دیگران در این بحث و بازکردن بیشتر آن می‌باشد.

جنبش دانشجویی رادیکال‌شده در ایران از سال ۱۳۸۲ روندی به سوی اندیشه‌های چپ و سوسیالیستی را به موازات حضور اندیشه‌های لیبرالیستی تحت عناوین دفتر تحکیم وحدت (با تغییرات جزئی و کلی در خط مشی) و انجمن‌های اسلامی وابسته و غیروابسته به دفتر تحکیم را آغاز کرد. سوسیالیسم در حوزه‌ی دانشگاه هنگامی ظاهر شد که کنارگیری رسمی اصلاحات از حوزه‌ی سیاست به فاز تثبیت می‌رسید و این فاز تثبیت در سردرگمی دفتر تحکیم وحدت در تغییر خط مشی و معرفی نسخه‌های متنوع و صدام‌البته بی‌ریشه و آزموده‌نشده‌ی «سوسیال دموکراسی»، خود را بیشتر نشان می‌داد.

دفتر تحکیم وحدت به عنوان پدروخوانده‌ی جنبش دانشجویی، خود را در کنار پدیده‌ای دید که با موضع‌گیری شفاف نسبت به حاکمیت، دخالت ابرقدرت‌های خارجی در تعیین سرنوشت مردم و نسخه‌های پیشاموجود چپ سنتی و بسیاری سازمان‌های سیاسی چپ در ایران، مشی رادیکال و حافظ منافع طبقه‌ی کارگر را دنبال می‌کرد. انحصار فعالیت تشکیلاتی در سطح دانشگاه و حوزه‌ی سیاست با حضور «جنبش چپ» همان‌طور که در ۱۶ آذر ۱۳۸۵ شاهد آن بودیم از دست تحکیم وحدت خارج شد و بار دیگر پس از سالیان دراز شاهد بازتولید فضای فکری و عملیاتی سوسیالیستی (به صورت سراسری) در دانشگاه‌ها بودیم. دفتر تحکیم فوراً و شدیداً نسبت به حضور دوباره‌ی چپ در دانشگاه واکنش نشان داد. این جریان با پشتوانه‌ی چند روشنفکر لیبرال و اصلاح‌طلب سعی در بازپس‌گیری حوزه‌ی فعالیت به نفع انجمن‌های اسلامی و حاکمیت دفتر تحکیم داشت به طوری که سیل مقالات علیه جریان چپ در نشریات وابسته به این تشکیلات حضور پیدا کرد؛ فعالین چپ از انجمن‌های اسلامی به طور غیرقانونی اخراج شدند و چهره‌های آشنای چپ از پروسه‌ی تشکیلاتی و تصمیم‌گیری‌های دفتر تحکیم به کناری گذاشته شدند. جریانی که خود را حامی «دموکراسی» و «آزادی» می‌دانست، بدین‌صورت برای حفظ وضعیت موجود تلاش کرد و در نهایت کارنامه‌ی سیاسی‌اش را از حضور چپ‌ها (که آنان را استالینیست خطاب می‌کرد) تظہیر داد و بدین‌شکل ایدئولوژی توتالیتری را به دانشجویان معرفی کرد که همیشه معتقد بود یک حرکت اصیل دانشجویی باید فاقد آن باشد!

خیلی قبل‌تر تشکل‌های آزاد دانشجویی همانند تشکل‌های کارگری مورد هجوم و سرکوب حاکمیت قرار گرفت و این به دلیل کار کنکرت و سازمان‌یافته‌ی دانشجویان و کارگران در قالب تشکیلات و سازمان بود. انسان‌های جدا از هم، حتی اگر یک فکر را در سر بپروورانند، خطر مهلکی را برای اقلیت ستمگر نخواهند داشت. در ضمن برای یک تشکل ساده‌تر است که به تشکل دیگر بپیوندد و با آن عمل مشترک داشته باشد.

با رکود افکار آزادی‌طلبانه (البته به شیوه‌ی معرفی شده در خط فکری فعالین دفتر پیر تحکیم وحدت)، نیازی به ایجاد تشکل‌های آزاد مستقل از حاکمیت دوباره قد علم می‌کند. آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی در سطح جنبش، هنوز در نقصان به سر می‌برد و تشکل‌های آزاد جایی قرار گرفته‌اند که همبستگی پراگماتیک دانشجویان را نمادی باشند. با توجه به سابقه‌ی تاریک تشکل‌های سابق‌موجود دانشجویی در جهت حفظ عقلانی وضع موجود (!) و چانه‌زنی‌شان برای باج‌گیری از حاکمیت، تشکیلات آزاد دانشجویی قاعدتاً بایستی رویکردی دیگر را برگزینند. در میان کارگران، آن‌چه رادیکالیسم

این طبقه را پنهان می‌کند، رویکرد سندیکالیستی و اصلاح‌طلبانه‌ای است که به این شرط تداوم می‌یابد که دستی به توازن قوای موجود نزنند. تشکل‌های دانشجویی هر چند که قادر نیستند به اصالت جنبش کارگری باشند، رادیکالیسم آن را کپی کنند و در نهایت تحولی بنیادین در جامعه ایجاد کنند؛ اما به عنوان نماینده‌ی آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی در قسمتی از جامعه، باید بتوانند اساس‌نامه‌ای رادیکال و محکم برای حمایت از نیروهای رادیکال تحول‌خواه در جامعه داشته باشند و نماینده‌ی طبقات تحول‌طلب و تثبیت‌شده‌ی درون جامعه باشند.